

DENIX

* کودکان که مورد بهرمانگی ترانه گیرند، اغلب به سختی از خانواده‌ی ناخاکه منتفع
 جدا می‌شوند در حالی که کودکان والدین خوب و محکم‌بانم، با تعارض کمتری
 از آن‌ها فاصله می‌گیرند.

* من یک نویسنده‌ام و با نام خواندم هم نه دانه، با وجود این برای
 بعضی مجتهدین به تمام کارهایی که در زندگی کرده‌ام، به او رجوع کنم
 - اروضح بالوم : ما موجودات در حقیقت وجودی معاشیتم به باه

با در کسیر تریاب شدن در درون دنیایی که خود را تا به معاش

* برای پیشروان بوج‌گرایه، با به وظیفه‌ای ضایع را قبل کنیم
 آن‌ها طریقه جان سترک برای معاش زندگی ابداع کنیم

تستوانه زندگی باشد. بعد از تشریح بندگی تا عمل ابداعان را و اودس کنیم
 و خود را متقاعد کنیم که ما معنای زندگی را ابداع نکردیم اسم بلکه شش کرده‌ایم
 عبارتست این معاش وجود مستقل دارد

بالوم : هر چه و انمود می‌کنم راحل هر فرد را بدو تمکات می‌ندیم، اما در کجا راحل
 هر فرد را به سه گروه بنوی، توه‌ای، و طلایه طبعه‌ندی می‌کنم

۱- بعضی افراد، سراسر زندگی را خلسه این خواهان می‌بینند که باید در آن سپری شود
 ۲- گروهی فرق در نامیدی، تک‌رویای صلح، هاسی و کارادی از بچ را در سر می‌پوراند
 ۳- برخی زندگی را خالی از معنی، قدرت، قدرت یا حقیقت می‌کنند

۲۶
 چهارشنبه
 اردیبهشت
 ۱۳۹۷



نوبت
دست
کار
۲۹

برخی دیگر در بین تعالی خویشتن اند و در عین حال با موجودی دیگر، معسوق
یا ذات الهی غوطه در می شوند. و بر این هم هسته ای معانی زندگی را

در خدمت دیگران، در خودشان گامی یا در آفرینش می بینند

* نیکی گفته: ما نیا زنده هستیم تا حقیقت هلاکمان نماند

- یالوم: من آفرینش را بر ترخ میسیر می دانم

** دعوی این رویا قدرتمند است. قدری تر از آنکه نایب

انگاشته شود و آرزایند تر از آنکه فراموش شود

- یالوم: رویاها در تفصیل نماندند و در تغییر نماندند

من لذت میجویم با ما

عین هم سخت نبود چرا اینجا، سال طول کشید

جان دایت کردن راستاد یالوم: در بیمارستان گوس نماند

بلنداری بدست بدهند برای خود صدتر سنن باید واسخو بماند

دایت مدد* بلنداری، یک زبان سیر از خود رعایت می خود بگونه این طوری

همه گامی اطلاعات لازم را بدست می آورید و هم کار برنده می شود

سرطانی فوراً طلب می کند

پانولا - لارو: سرگ را الطوره کنیم

باید احتمالات بعدی است

ش ی د س چ پ ج

۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸
۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵
۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲
				۳۱	۳۰	۲۹

یالوم

۲۷

پنجشنبه

اردیبهشت

۱۳۹۷

DENIX

تصلیب
۳۹
شوریه ۴۱

* یانولا: سرب رویداری غنچه است. ما یادرفته ایم رنگ تنگ بر آن بنشیند
 → اردو: از یانولا که سوخته همراست است، فرد هنگام اطلاع از ابتلا به یک
 بیماری کشنده، تجربه می کنند مانند سبزی از یاد و خاطره این بیماری بر سر می شود
 از روی این کار روی پوست با روش ایلمنهانهاست که می گویند نزدیک سرب را
 بچنان کنند، شبیه می شود و این رنگ را هم می توان سفید کرد
 شامهای رنگ هم چاهست!

۲۸
جمعه

اول بیبهشت
۱۳۹۷

اردو: انسان بیشتر از آنکه از سرب همراست است، از اثرهای مخفی
 آن که را همراهی می کند، مت ترسد
 ما می توانیم زندگی را از آن تجربه کنیم و می توانیم از آن مجبوریم بجا بیاوریم
 نقاشی که دختر یانولا کشیده، بود و آن را یانولا به اردو هدیه داد بود:
 تصویر زنی ضعیف و نود و هشت ساله که از جوان معفین ترس می توانسته
 در برابر باور نام سنگ از او محافظت کند

یانولا: این زن معفین، در ماندن در برابر حمله ای به اما
 * معجزه: کسی که چو این در زندگی اش دارد با حشر جلوتی می سازد
 * شیس - یانولا: سرطان تو مریب تو است و زنجیر سلامت
 یانولا - اردو: زنجیرش مستقامانه و صادقانه است، اجازه می دهد
 زندگی با به کیوه ای غنچه تر و راضی کننده تر بسیری کند

روز بزرگداشت حکیم عمر خیام



یا نولا - اردو : چیزی طلاست ، بزرگ ، به بزرگی است

زندگی به چشم و آرزوی با بزرگ است

هر که خرد باری ، چند اندوختنیار و در عین حال بالندش است

یا نولا : زمانه را که زاری به هم ، تفکرات به لذت به بلوی ،

خود را به هم رفیق چیزی است از چیزهای دیگر است چشم تراست

* مراحل رویارویی با بزرگ کوپلر راسخ

انظار + چشم + جان زنی + اندرین + بندیش

* بزرگ از نظر یا نولا و توضیح به سرش :

در چنین انسان زنده با نفس می کشند و در چشم ها می بینند

پس چنین برای هستی ای که ماده می شود به برایش قابل تصور نیست

مانند باری خود را برای هستی ای فراتر از بزرگ و مجهول که ماده نسیم

← اردو : خدا حسب بیدار کرده اند تا از اضطراب های بشری مایه خشنود

← اردو : هیچ به خدا نیست در کسرت بدو چشم خدا نمی شود جلید

← اردو : جای که ترس شدیدتر است ، ایگان بیشتر می شود

← اردو : ترس ایگان را بوجود می آورد ، ما خدا را من طبعم و ایگان دلیرم

← اردو : ایگان هر چه توانا تر ، طراک آهسته تر ، با زهم حقیقت خدا را

تأثیرش اندک است :

ش	ی	د	س	چ	پ	ج
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱
۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸
۲۹	۳۰	۳۱				

۲۹
شنبه

اردیبهشت
۱۳۹۷

۵۶
۵۲
۵۴
۵۶
۵۶

من در حقیقت تمام دستاورد را به این مکتب بر میسانم و بویج بر جمع می‌دهم
 اردو می‌نویسم که این مکتب مذکور است سر مشهوری
 بیرون صد کار است و تا زمانیکه عیادت از آنرا بیهوشی منجر جانینش می‌شود
 یا بگویم - داستان - برای تسلی بازمانده‌ها
 درمانت که بر حاصل مانده بودند و برای کسی رسیدار دریا
 یا انوره دست تکان می‌دارند، کشتی کوچک کوچک تر می‌شود
 تا جایی که فقط دکلش باقی می‌ماند و وقت آن هم از نظر نجات
 شد، شایسته گفتن طریقت رفت!

۳۰
یکشنبه

اردیبهشت
۱۳۹۷

و در همان لحظه جامعه را در جایی بسیار دورتر بودند، اوضاع را چه حسنه
 بایدیم نوبت دخل با یک زندگی دارد چه آید!!
 او به حالت از انظار گوشش است مضمرا بر سر راه می‌رود
 یا بگویم: هرگز ناگهان برگ خایچه باری است
 هر دم بخشی از زندگی است، در خواب سردی، از دست دادن کسی
 از حواش محکم زندگی است
 حکم درک خردمندان کرده بود
 این زندگی را نمی‌شود به تعویق انداخت باید همین حالا از سر زینت
 می‌باید تا آن صبر می‌کردم، به هم طعمی بود که تا نیمه خطور باید که زندگی است

در این کتاب
 در این کتاب
 در این کتاب